



انتشارات  
پول و ارز



انديشكده  
پول و ارز



موسسه مطبوعاتی  
بازار پول و ارز



هفته‌نامه  
تازه‌های اقتصاد



ایبنا  
رسانه مرجع بانک مرکزی

شهرت و اعتبار به مثابه زیربنای سرمایه اجتماعی

بانک مرکزی

فروردین ۱۴۰۳

# شناسنامه گزارش



انتشارات  
پول و ارز



اندیشکده  
پول و ارز



موسسه مطبوعاتی  
بازار پول و ارز



هفته نامه  
تازه های اقتصاد



ایبنا  
رسانه مرجع بانک مرکزی

|              |                                                                                                               |
|--------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| عنوان گزارش  | شهرت و اعتبار به مثابه زیربنای سرمایه اجتماعی بانک مرکزی                                                      |
| نویسنده      | نرگس کافی                                                                                                     |
| مدیر پژوهشی  | حسین جعفری                                                                                                    |
| ناظر علمی    | دکتر عباس دادجوی توکلی                                                                                        |
| واژگان کلیدی | شهرت، اعتبار، سرمایه اجتماعی                                                                                  |
| نشانی        | تهران، خیابان خالد اسلامبولی (وزرا)، ضلع جنوبی پارک ساعی،<br>پلاک ۷۰، طبقه ۱۱، موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز |



بانک مرکزی با توجه به مأموریت‌ها و اهدافی که دارد، نهادی تعیین‌کننده در شکل‌گیری و هدایت نظام بانکی و حتی به نحوی سایر بازیگران اقتصادی خرد و کلان به شمار می‌آید. در تبیین کارکرد بانک مرکزی رایج است که اساسی‌ترین وظیفه این نهاد حفظ ارزش پول داخلی و کنترل تورم است. این وظیفه به ظاهر ساده در دوره حیات دولت‌های مدرن و به ویژه لیبرال اهمیت کلیدی دارد، چراکه بدون آن، احترام به حقوق مالکیت شهروندان میسر نمی‌شود. در قراردادی که به موجب آن دولت شکل گرفته، دولت مکلف به حفاظت از حق مالکیت اشخاص است. سازوکارهای مختلفی برای حفاظت از حق مالکیت اشخاص وجود دارد که یکی از مهمترین آن‌ها حفظ ارزش پول ملی است. بنابراین، بانک مرکزی با حفظ ارزش پول ملی بازوی دولت در حفظ حق مالکیت شهروندان به شمار می‌آید. بدین منظور، دولت‌ها معمولاً اختیارات و امتیازات ویژه‌ای برای بانک مرکزی در نظر می‌گیرند که یکی از مهمترین آن‌ها امکان سیاست‌گذاری مستقل است.

عملکرد موفق یا کارایی بانک مرکزی تا حد زیادی به شهرت و اعتبار آن در میان شهروندان و حتی بازیگران خارجی بستگی دارد. شهرت و اعتبار در شکل‌گیری توقعات و انتظارات عموم بسیار اثرگذار است. شهرت و اعتبار بانک مرکزی پولی در واقع سرمایه اجتماعی آن به حساب می‌آید. نوشته حاضر به بررسی اهمیت و تأثیر شهرت و اعتبار یا به عبارتی سرمایه اجتماعی بانک مرکزی در موفقیت سیاست‌های پولی نهاد مذکور می‌پردازد. بحث اساسی این است که حسن شهرت و اعتبار بانک مرکزی یک پیش‌نیاز اساسی برای کارایی سیاست‌های پولی و به ویژه کنترل تورم است. اهمیت این متغیر به ویژه در شرایط اقتصادی پرتلاطم افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، حسن شهرت، اعتبار و سرمایه اجتماعی شرط لازم بانک مرکزی برای کمک به مهار بحران تورم است.

## بررسی مفهومی

با بررسی ادبیات علم اقتصاد چنین به نظر می‌رسد که اهمیت شهرت و اعتبار سیاست‌گذاران پولی با تحولات در نظریه پولی در راستای موثر و غیرخنثی بودن سیاست‌های پولی بر متغیرهای واقعی و اسمی مورد تأکید واقع شد. شهرت و اعتبار، مفاهیمی متمایز هستند. شهرت برآیند نوعی کنش و رفتار مکرر است که توسط سیاست‌گذار همیشه ارائه می‌شود. مردم در مورد خصوصیات سیاست‌گذاران اطمینان ندارند و از طریق مشاهده و تجربه به خصوصیات آن‌ها پی می‌برند. برای مثال، ممکن است مردم ترجیحات سیاست‌گذار در انتخاب بین تولید و تورم را ندانند یا حداقل براساس برنامه‌های اعلامی وی به برداشتهای محدودی برسند. در چنین شرایطی، رفتار عملی سیاست‌گذار نشان‌دهنده اطلاعاتی در مورد خصوصیات آن‌ها است و لذا بر انتظارات تورمی دوره‌های بعدی اثر دارد.

در خصوص اعتبار نیز تفسیرهای متفاوتی وجود دارد. اعتبار، یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه یک نگرش ایجاد شده در افراد بر اساس باورها و تجربیات واقعی آن‌ها است. ذهنیت افراد در مورد اینکه تا چه حد روند فعلی یک سیاست و آنچه در آینده پیش‌بینی می‌شود، با برنامه اعلام شده مطابقت دارد، میزان اعتبار عمومی سیاست و سیاست‌گذار را تعیین می‌کند. اعتبار یک دارایی نهادی است که به صورت غیرخطی و تدریجی در فضای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تکامل می‌یابد. از این رو، اعتبار با درجه اعتمادی که مردم به توانایی مقام پولی دارند و عزمی که وی برای حفظ و رسیدن به هدف اعلام شده نشان می‌دهد، مرتبط است. نقش شهرت و اعتبار مقام پولی و همچنین نهاد در میزان اثربخشی سیاست‌های پولی جهت تثبیت انتظارات تورمی و تاب‌آوری اقتصاد کلان برای مواجهه با شوک‌ها تا آنجا اهمیت دارد که صاحب‌نظران موضوع آن‌ها را از عناصر کلیدی دخیل کارایی سازمان می‌دانند (Park, 2023).

به کارگیری شهرت و اعتبار مقام پولی نخستین بار توسط برو و گوردن<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) مطرح شد. این محققان در ادامه مطالعه کیدلند<sup>۲</sup> و پرسکات<sup>۳</sup> (۱۹۷۷) در مورد قاعده‌مندی در سیاست پولی به جای عملکرد صلاح‌دیدی به منزله راهکار علمی که مانع بروز پدیده ناسازگاری زمانی در اقتصاد می‌شود، به بحث شهرت و اعتبار پرداختند (Bordo & Siklos, 2015). روشن است که سیاست واقعی از سیاست بهینه فاصله دارد. مسائل و موضوعات در زمان‌هایی که رشد پول و تورم بالاست، متفاوت از زمانیست که آن‌ها خیلی پایین هستند. ناتوانی سیاست‌گذاران پولی در واکنش به شوک‌ها در بسیاری از کشورهای صنعتی در دهه ۱۹۷۰ و موارد مشابه دیگر، رشد سریع پول و در نهایت تورم بالا را در پی

1. Robert J. Barro

2. David Gordon

3. Finn Kydland

4. Edward C. Prescott

داشت. انحراف از سیاست بهینه یک رویداد تصادفی نیست. از آنجایی که تورم انتظاری بعد از اعلام سیاست و بر اساس فهم مردم از توانایی و اختیار سیاست‌گذار در انجام یا عدم انجام تعهد خود شکل می‌گیرد، می‌تواند در انحراف سیاست اعلام شده مؤثر واقع شود. سیاست‌گذاری همواره به مثابه یک بازی پویا بین سیاست‌گذار و بازیگران اقتصادی آینده‌نگر در جریان است. جایی که سیاست بهینه اعلام شده‌ی توسط سیاست‌گذار به عنوان بازیگر غالب در زمان  $t$  با بهینه‌سازی در زمان  $t+x$  متفاوت باشد، ناسازگاری زمانی رخ داده است. در نتیجه، سیاست بهینه به علت تناقض زمانی اعتبار لازم برای عملی شدن را از دست می‌دهد.

در بحث شهرت و اعتبار یکی از متغیرهایی که به آن توجه شده است استقلال بانک مرکزی است. استقلال بانک مرکزی مانع از دخالت صلاح‌دیدی دولت شده و به همین علت می‌تواند بر شهرت و اعتبار این نهاد اثر مثبت داشته باشد (رومر<sup>۱</sup>، ۱۴۰۰). ادبیات استقلال بانک مرکزی در جهان غالباً از دهه ۱۹۸۰ توسعه یافت. در آن دهه، شوک نفت و بعضی سیاست‌های اشتباه کشورهای صنعتی را دچار یک رکود تورمی حاد کرد و باعث شد کم‌کم مفهوم استقلال بانک مرکزی اهمیت یابد. در چنین شرایطی، شهرت و اعتبار بانک‌های مرکزی پیوند عمیقی با کم و کیف استقلال عمل آن‌ها پیدا کرد.

### شهرت، اعتبار، سرمایه اجتماعی

حسن شهرت و افزایش اعتبار سازمان به معنی بهبود سرمایه اجتماعی آن است و غنای سرمایه اجتماعی در کارایی سازمان نقش اساسی دارد. از مفهوم سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی به عمل آمده است. بر اساس تعریف متفکران به نامی چون رابرت پاتنم<sup>۲</sup>، رابرت لئوناردی<sup>۳</sup> و رافائلا نانتی<sup>۴</sup>، سرمایه اجتماعی عبارتست از ویژگی‌هایی از سازمان اجتماعی از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که می‌توانند با تسهیل هماهنگی کنش‌ها، کارایی جامعه را بهبود ببخشند (Hobbs, 2000). استفن نک<sup>۵</sup>، سرمایه اجتماعی را در دو شکل حکومتی و مدنی تعریف می‌کند. سرمایه اجتماعی حکومتی به نهادهای حکومتی که قابلیت مردم برای همکاری به منظور نفع متقابل را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مثل قراردادهای، قانون، حدود آزادی‌های مدنی و غیره) اشاره دارد، در حالی که سرمایه اجتماعی مدنی به هنجارها، شبکه‌های غیررسمی، کیفیت عضویت‌ها در انجمن‌ها و مجمع‌ها، و ارزش‌های مشترکی اشاره دارد که قابلیت افراد برای همکاری به منظور رسیدن به اهداف مشترک را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نقطه مشترک این دو نوع سرمایه اجتماعی این است که هر دو با غلبه بر مشکلات کنش جمعی به حاکمیت نظم اجتماعی کمک می‌کنند (Knack, 2002).

۱. David Romer

۲. Robert D. Putnam

۳. Robert Leonardi

۴. Raffaella Y. Nanetti

۵. Stephen Knack

در ادبیات نظری سرمایه اجتماعی بیشتر از اینکه به تعریف آن و به عبارت دیگر رسیدن به اجماع بر سر تعریف آن پرداخته شود، به کارکرد سرمایه اجتماعی پرداخته شده است و توافق بیشتری بر سر کارکرد آن به عمل آمده است. جوهره سرمایه اجتماعی اعتماد متقابل است و تقریباً از شاخص‌های اساسی که در تعریف سرمایه اجتماعی روی آن اجماع به عمل آمده، همین مفهوم اعتماد است. اعتماد به نگرش و برخورد انسان‌ها نسبت به اشخاص دیگر و اعمال آن‌ها بر اساس اطمینان به صداقت و درستی اشاره دارد. توافق گسترده‌ای میان محققان بر سر کارکرد تسهیل جریان سودآوری جمعی از طریق سرمایه اجتماعی صورت گرفته است. در خصوص اینکه چگونه سرمایه اجتماعی، پیامدهای خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد، دیپا نارایان<sup>۱</sup> و لانت پریچت<sup>۲</sup> پنج مکانیسم را بر شمرده‌اند: بهبود توانایی جامعه برای مراقبت و کنترل عملکرد حکومت، افزایش امکان‌های همکاری جمعی در حل مشکلات، تسهیل اشاعه نوآوری‌ها، کاهش نقایص اطلاعاتی، و افزایش سطح بیمه غیررسمی (Hobbs, 2000).

سرمایه اجتماعی در گذشته بیشتر برای نهادها و سازمان‌ها چندان مطرح نبود. اما با گذشت زمان مشخص شد که سازمان‌ها نیز مثل افراد محتاج سرمایه اجتماعی هستند (بیکر<sup>۳</sup> ۱۳۸۲). سازمان‌های اقتصادی از جمله بانک مرکزی از طریق بهبود سرمایه اجتماعی هزینه‌های خویش را کاهش می‌دهند. چنانکه نورث<sup>۴</sup> بیان می‌کند، در جوامع بزرگ با روابط غیرشخصی و پیچیده، افزایش اعتماد کاهش هزینه‌های مبادله را به دنبال داشته است (نورث، ۱۳۸۵). وقتی افراد جامعه نتوانند بین صحبت‌های رسمی مسئولان و زندگی عادی خود ارتباط معناداری بیابند، اعتماد عمومی جامعه دچار خدشه می‌شود. در شرایطی که به نظر می‌رسد اعتماد عمومی به سیاست‌های اقتصادی دولت به دلایلی آسیب دیده، سرمایه اجتماعی دولت در حوزه اقتصاد مخدوش می‌شود. سیاست‌های اقتصادی متناقض، تغییر مکرر سیاست‌های اقتصادی، بی‌اعتباری وعده‌های داده شده و ... همگی سرمایه اجتماعی را در میدان اقتصاد کاهش می‌دهند و موجب تلاطم در بازارها می‌شود. در این شرایط، ترمیم سرمایه اجتماعی از دست رفته بسیار زمان‌بر است. ترمیم زمانی اتفاق می‌افتد که جامعه به صورت درونی تصمیم‌های سیاست‌گذاران را صحیح بپندارد و استراتژی‌های کلان اقتصادی و سیاسی را قبول داشته باشد (رهبر و حیدری، ۱۳۹۰).

واضح است که سازمان‌های رسمی و غیررسمی در ایجاد سرمایه اجتماعی نقش دارند. حکومت و سازمان‌های زیر مجموعه آن در شکل‌گیری یا تخریب سرمایه اجتماعی نقش اساسی دارند. سرمایه اجتماعی احساس مسئولیت مدنی و همکاری افراد و گروه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بانک مرکزی در مقام یک نهاد پولی نیازمند همکاری و مشارکت جامعه است و این همکاری و مشارکت نیز بر اساس اعتمادپذیری و اعتبار یا سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد. سرمایه اجتماعی بانک مرکزی به مجموعه‌ای از روابط، کنش‌های متقابل و میزان اعتماد و همکاری جامعه اشاره دارد که مکملی برای اجرای موفق و کم‌هزینه سیاست‌ها به شمار می‌رود.

۱ . Deepa Narayan

۲ . Lant Pritchett

۳ . Von Bieker

۴ . Douglass North

## اهمیت شهرت و اعتبار در عملکرد بانک مرکزی

بانک مرکزی یک نهاد مهم اقتصادی و جزء لاینفک نظام اجتماعی و اقتصادی مدرن است. تقویت این نهاد و جایگاه آن یک ضرورت ملی است. بانک مرکزی باید از رانت جویی و انحصارطلبی عوامل ذی نفع در درون حکومت‌ها مصون باشد. تمرکز این نهاد مهم، به عنوان رأس بخش پولی اقتصاد باید به بهبود و ارتقای متغیرهای حقیقی مثل رشد و توسعه، رقابت‌پذیری اقتصاد و نیز ثبات قیمت‌ها و ارزش پول ملی معطوف گردد. در کشورهایی که دائماً با کسری بودجه، تورم بالا، فساد گسترده و نهادینه، شوک‌های سیاسی و ساختار نهادی غیرمنعطف و معیوب و ... مواجه هستند، بانک‌های مرکزی با انحراف بیشتری از اهداف تورمی روبرو می‌شوند.

نکته اجتماعی آموزنده‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه برای یک تاجر اگرچه پول اهمیت بالایی دارد، اما آن‌چه از پول نیز مهم‌تر قلمداد می‌شود، اعتبار است، چرا که اعتبار راه رسیدن به پول را تسهیل می‌کند. این نکته برای کارایی سازمان‌هایی نظیر بانک مرکزی نیز صادق است. بانک مرکزی در کنار ذخایر پولی و ارزی به شدت محتاج همان اعتمادپذیری و اعتبار یا سرمایه اجتماعی است. در غیر این صورت، جامعه با سیاست‌های اعلامی آن برای حال و آینده و تحقق هدف غایی آن یعنی حفظ ارزش پول کشور همکاری نمی‌کند.

پشتوانه اصلی پول ملی اعتبار و اعتمادپذیری ناشر آن است. اعتماد به بانک مرکزی دو بعد دارد. اولین آن، به اهداف جاری یا سالانه بانک برای اجرای سیاست‌ها خصوصاً کنترل تورم از طریق نقدینگی اشاره دارد. هرچه سیاست‌های اعلامی اعتمادپذیری بیشتری داشته باشند، همکاری بیشتری را جلب خواهد کرد. بعد دوم اعتماد به بانک مرکزی مربوط به آینده است. اعتماد به بانک مرکزی و سیاست‌های آن می‌تواند خوش‌بینی ایجاد کرده و فعالان اقتصادی را ترغیب به فعالیت تولیدی کند یا بالعکس (ایران اقتصادی، ۱۴۰۲). در دوره‌های تورمی، ارزش پول کاهش می‌یابد و اشخاص معمولاً به مصرف سریع پول میل دارند که در نتیجه آن سرعت گردش آن افزایش می‌یابد. ادامه این روند می‌تواند بسیار مخرب باشد. در چنین وضعی، کار بانک مرکزی ایجاد آرامش و خوش‌بینی به آینده است که البته تحقق آن مستلزم همکاری جامعه است. همکاری جامعه قویاً تحت تأثیر سرمایه اجتماعی بانک است.

بانک مرکزی را وقتی می‌توان معتبر و صاحب سرمایه اجتماعی بالا دانست که مردم به انجام صحیح سیاست‌هایش باور داشته باشند. این سازمان با اتکا به اعتمادپذیری خویش می‌تواند تورم را پایین نگه دارد و تحقق هدف شماره یک خویش یعنی تثبیت قیمت‌ها به عنوان عامل حیاتی در تثبیت زندگی مردم با هزینه‌های اجتماعی کمتری را میسر سازد. سنجش اعتبار بانک مرکزی نیز اساساً از طریق بررسی سطح انطباق و سازگاری انتظارات تورمی با سیاست‌ها و اهداف تورم بانک مرکزی حاصل می‌شود. اعتبار بانک مرکزی تابعی است از تفاوت نرخ تورم مشاهده شده و نرخ تورمی که بانک مرکزی هدف‌گذاری کرده است. رصد این مهم از طریق تعاملات بانک مرکزی با جامعه و بازار ممکن می‌شود. سرمایه اجتماعی بانک مرکزی به ویژه در شرایط نااطمینانی و بحران که اقتصاد ایران بیشتر چنین اوضاعی را تجربه کرده از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود، چراکه در این فضا اعتبار بانک کمتر

به عنوان نوعی ابزار مدیریت بحران عمل می‌کند (یزدان پناه، ۱۴۰۰). بدیهی است نقش مثبت بانک مرکزی در رفع بحران دوباره به بهبود سرمایه اجتماعی‌اش منجر می‌شود.

سرمایه اجتماعی بانک مرکزی علاوه بر شفافیت و قانونمندی، قویا مستلزم برخورداری واقعی آن از استقلال است. بدون استقلال، اعتبار بانک نیز در معرض آسیب قرار خواهد داشت. اینجا نقطه‌ای است که بانک را با وضعیت حکمرانی در سطح کلان مرتبط می‌کند. حکمرانی خوب مقدمه لازم برای استقلال موثر بانک مرکزی است. بانک‌های مرکزی باید برای حفظ ارزش پول و به عبارت دیگری حفاظت از حق مالکیت شهروندان استقلال عمل کافی برای اتخاذ تصمیمات سیاست پولی مطلوب را داشته باشند. ممکن است دولت‌ها میل باشند برای اهدافی نظیر کاهش بیکاری، بانک مرکزی را وادار به خلق پول کرده و شرایط را برای افزایش تورم مستعد کنند. این اقدام شاید در کوتاه‌مدت مفید باشد، اما تدریجاً به اعتبار دولت و بانک مرکزی صدمه می‌زند. هرچند ممکن است یکی از گزینه‌های موثر برای از تحریک تولید و کاهش بیکاری خلق پول باشد، اما سیاست‌گذار پولی باید به آن به مثابه آخرین گزینه گریزناپذیر بنگرد، نه اولین گزینه (مشعل، ۱۳۹۹).

مطالعات در مورد رابطه بین معیارهای استقلال بانک مرکزی و تورم در کشورهای صنعتی حاکی از رابطه منفی قوی است. این رابطه منفی بدان معنا نیست که استقلال بانک مرکزی منشا پایین بودن تورم است. بلکه کشورهایی که شهروندان تورم‌گریزی دارند، تلاش می‌کنند تا بانک مرکزی خود را از فشارهای سیاسی مصون بدارند. برای مثال، باور زیادی وجود دارد که آلمانی‌ها بطور ویژه‌ای تورم‌گریز هستند که شاید به خاطر ابرتورم بعد جنگ جهانی اول باشد. نهادهای اداره‌کننده بانک مرکزی نیز از همین رفتار تبعیت می‌کنند. بنابراین، بخشی از تورم پایین در آلمان قطعاً از تورم‌گریزی عمومی و عزم جمعی در این کشور است (رومر، ۱۴۰۰).

یکی از شاخص‌های کمی عدم استقلال بانک مرکزی تأمین کسری بودجه‌های دولت توسط این بانک است. آنچه امروز در اقتصاد ایران واقعیت دارد، عدم استقلال بانک مرکزی است. اقتصاد ایران با توان تولیدی محدود و وابستگی حداکثری به درآمدهای نفتی خصوصاً در شرایط تحریمی همواره دچار کسری بودجه مداوم است. رشد فزاینده کسری بودجه دولت و استقراض از بانک مرکزی موجب محدودیت عملکردی این نهاد و در نهایت کاهش شهرت و اعتبار می‌شود. یکی از مصادیق برهم‌زننده شهرت و اعتبار مقام پولی، سیاست‌های صلاحیددی پولی به جای قاعده‌مندی است. دولت برای جبران کسری بودجه با فشار بر مقام پولی غیرمستقل از طریق سیاست‌های صلاحیددی پولی باعث ایجاد انحراف از تورم هدف می‌شود. سیاست‌های صلاحیددی مقام پولی، بویژه در شرایط عدم استقلال بانک مرکزی، از دو مسیر افزایش نقدینگی برنامه‌ریزی نشده و انتظارات تورمی موجب تشدید شکاف تورم واقعی از تورم هدف‌گذاری شده، می‌شود. در صورت استمرار این روند اثر تخریب سرمایه اجتماعی بانک مرکزی رفته رفته تشدید خواهد شد. همه بحث‌ها بر سر نحوه کارکردها، تصحیح رویه‌ها و مسئولیت‌پذیری دولت و حکومت در پذیرش جایگاه صحیح این نهاد مهم و اثرگذار است.



## جمع‌بندی

شهرت و اعتبار بانک مرکزی نقش بی‌بدیلی در تحقق کاهش شکاف تورم انتظاری و تورم هدف‌گذاری شده دارد. حسن شهرت و اعتبار یا سرمایه اجتماعی زیربنای معنوی لازم بانک مرکزی برای پیشبرد موفق سیاست‌ها و محقق هدف کلیدی آن یعنی ثبات بخشی به ارزش پول کشور و حفاظت از حق مالکیت شهروندان است. بانک مرکزی همواره نیازمند رصد، ارزیابی، و اتخاذ تصمیمات مقتضی برای تقویت سرمایه اجتماعی خویش است. این هدف مهم در خلا صورت نمی‌گیرد، بلکه نیازمند سیاست‌ها و اقدامات صحیح و کارایی است که به اقناع افکار عمومی بیانجامد. در مقابل، عملکرد ضعیف و انحراف از اهداف تعیین شده، باعث تخریب شهرت و اعتبار این سازمان می‌شود. شهروندان باید به این تصور برسند که بانک مرکزی مسئولانه به پیشبرد صحیح مأموریت و رسالت خویش متعهد است و در این راه موانع را کنار می‌زند. بدیهی است که استقلال بانک مرکزی لازمه این کار است. در اینجا است که پیوند ماهیت دولت و نحوه حکمرانی با سرمایه اجتماعی بانک مرکزی مشخص می‌شود. حکمرانی خوب در سطح کلان زمینه‌ساز استقلال مؤثر بانک مرکزی است. در مقابل، شکست در ایجاد حکمرانی خوب می‌تواند به عملکرد و اعتبار بانک مرکزی نیز صدمه وارد کند.

## فهرست منابع

- ایران اقتصادی (۱۱ آذر ۱۴۰۲) «چرا اعتماد عمومی برای بانک مرکزی مهم است؟» ایران اقتصادی، ش. ۱۴۰، قابل دسترس در: <https://newspaper.ireconomy.com/140/12/8329>.
- بیکر، واین (۱۳۸۲) مدیریت و سرمایه اجتماعی، ترجمه سید مهدی الوانی و محمدرضا ربیعی، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- رومر، دیوید (۱۴۰۰) اقتصاد کلان پیشرفته، ترجمه: منصور خلیلی عراقی و علی سوری، تهران: نور علم.
- رهبر، عباسعلی و فاطمه حیدری (۱۳۹۰) «تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقا سیاست‌گذاری»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ش. ۱۴، ص. ۲۵۴-۲۱۹.
- ذوالفقاری، مهدی و زهره اسدی (۱۳۹۸) «بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر ثبات بانکی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ش. ۳، ص. ۱۰۸-۸۵.
- مشعل، محمد علی (۵ مرداد ۱۳۹۹) «بانک مرکزی و ضرورت بازتعریف جایگاه آن در اقتصاد» ۸ صبح، قابل دسترس در: <https://8am.media/fa/the-central-bank-and-the-need-to-redefine-its-position-in-the-economy/>.
- نورث، داگلاس سی. (۱۳۸۵) نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- یزدان پناه، احمد (۱۵ آبان ۱۴۰۰) «نقش اعتبار بانک مرکزی در اثربخشی سیاست‌های پولی» جهان صنعت، ش. ۴۸۶۲.
- Bordo, Michael D and Siklos, pierrel (2015) "Central Bank Credibility: An Historical and Quantitative Exploration" NBER Working Paper, No 20824, Retrieved April 13, 2024, from: <https://www.nber.org/papers/w20824>.
- Hobbs, Graham (2000) "What is Social Capital?" Economic and Social Research Foundation, Retrieved April 15, 2024, from: <http://www.caledonia.org.uk/papers/hobbs.pdf>.
- Knack, Stephen (2002) "Social Capital, Growth, and Poverty", The Role of Social Capital in Development, Edited by Christiaan Grootaert and Thierry van Bastelaer, UK: Cambridge University Press.
- McMahon, M and R Rholes (2023), "Building Central Bank Credibility: The Role of Forecast Performanc" CEPR Discussion Paper, No 18660, Retrieved April 11, 2024, from: <https://cepr.org/publications/dp18660>.
- Park, Kwangyong (2023) "Central Bank Credibility and Monetary Policy" International Journal of Central Banking, No. 2, Retrieved April 12, 2024, from: <https://www.ijcb.org/journal/ijcb23q2a3.pdf>.

